

نگارگری ایرانی

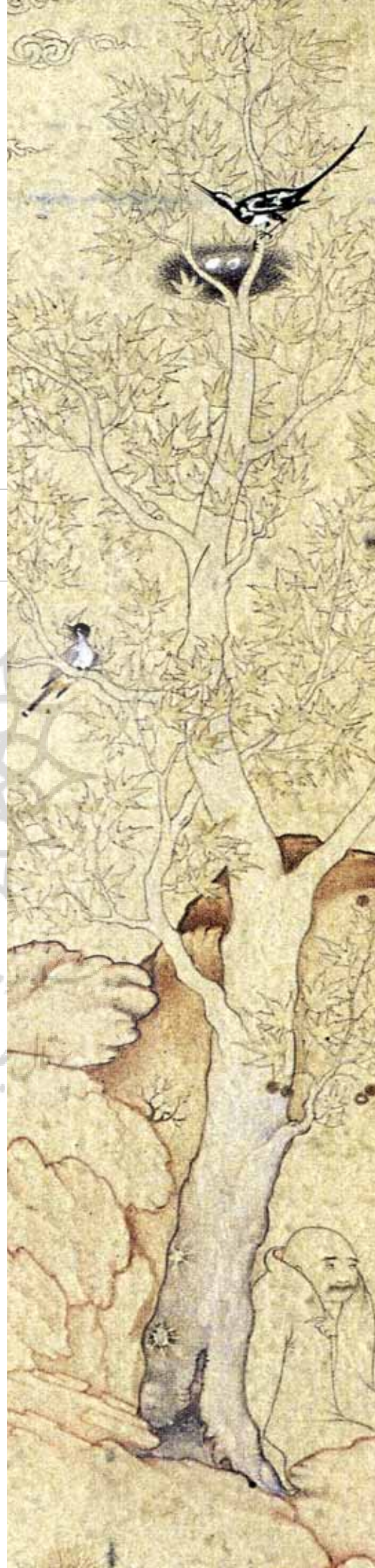
نقاشی ایرانی گرچه تاریخچه‌ای طولانی دارد، اما تاکنون آثار نقاشی یا طراحی به مفهوم امروزی، مربوط به دوران قبل از اسلام یا سده‌های اولیه دوره‌ی اسلامی که بر روی کاغذ طرح شده باشند، به دست نیامده است. در حالی که تعداد قابل ملاحظه‌ای «نقاشی و طراحی دیواری» بر روی سطوح دیوارهای سنگی یا گچی از سده‌های قبل از اسلام کاوش شده است. بر اساس شواهد موجود، نخستین آثار تجسمی بشر با خراشیدن یا ایجاد خطوط رنگی بر روی دیوار غارها و صخره‌ها آغاز می‌شود. سطوح ظروف اشیای سفالی نیز مهم‌ترین بستر برای طراحی و نقوش تزئینی به شمار می‌رود. نقش روی گچ، فلز، چوب، عاج و ... از دیگر آثار قابل ردیابی نقاشی کهن ایران هستند.

از سده‌ی چهارم میلادی به بعد مانویان، بیشترین تاثیر را در شکل‌گیری نقاشی و طراحی ایران در عصر ساسانی به عهده داشته‌اند. به نظر می‌رسد هنر طراحی ایرانی در دوره‌ی اسلامی از سنت نقاشی قدیمی‌تر هنر مانویان رشد و نمو کرده باشد.

شکل رسمی نقاشی در دوره‌ی اسلامی ایران، بر اساس آثار بر جای مانده بر روی دیوارها، نسخ خطی علمی، تزئینات ظروف سفالی و ... در دوره‌ی آل بویه و سامانیان از اواخر سده‌ی چهارم هجری شکل می‌گیرد. پایه و اصول به‌کار گرفته شده در نقاشی‌های دوره‌های ذکر شده در آثار دوران بعدی به‌ویژه در نگارگری نیمه‌ی آخر حکومت ایلخانان مغول (اواخر سده‌ی هفتم و اوایل سده‌ی هشتم هجری) با حضور هنرمندانی همچون احمد موسی و شمس‌الدین با تغییراتی اندک شکل می‌گیرد.

هنرمندان ایرانی در دوره‌ی آل‌جلایر در قرن هشتم، در حوزه‌ی نگارگری حرکت پراهنگی را شروع می‌کنند. تعدادی نسخ خطی از این دوره در دست است که توسط هنرمندانی همچون استاد جنید، عبدالحی و ... کار شده است.

نقاشی‌های قرن هشتم نه تنها در موضوع، بلکه در کارکردها همانند گام‌هایی تدارکاتی، مقدماتی و ابداعی، زمینه‌ی رشد و تطور را برای آثار نگارگری سده‌های بعدی (تیموری، ترکمانان و صفوی) آماده می‌کنند. هنرمندان این دوران هنر نگارگری ایرانی را به شیوه‌ای هنرمندانه در نسخ خطی در شاهنامه‌های بایسنقری





و شاه تهماسبی، خمسه نظامی و ... خلق می کنند. کمال الدین بهزاد، سلطان محمد و شاگردانشان بسیاری از نگاره‌ها را از قید متن جدا کرده و به عنوان یک اثر کاملاً هنری، ابداعی و با محتوی، توجه نموده‌اند. هنرمندان مکتب قزوین و اصفهان کارهایشان بیشتر به نقاشی‌های تک ورقی اختصاص پیدا می‌کند. محمدی مصور بیش از هر هنرمند دیگری در مکتب قزوین به این شیوه پرداخت.

در اوایل سده‌ی یازدهم هنر نگارگری به وسیله‌ی رضا عباسی - مهم‌ترین نگارگر مکتب اصفهان - به کمال خود رسیده و تا اواخر قرن یازدهم هجری به وسیله‌ی شاگردان باوفایش مثل معین مصور، محمدشفیع، محمدیوسف، محمد قاسم و محمدعلی اشاعه می‌یابد. ترویج و تشویق نقاشی اروپایی به وسیله‌ی شاه‌عباس دوم، مرگ شاگردان باوفای رضا عباسی، هجوم فرهنگ بیگانگان، سوء حکومت و ... موجبات افول نگارگری پرشکوه صفویه را فراهم می‌سازد. هنر نگارگری هنرمندان دوره‌ی قاجار در مقایسه با هنر دوران افشار و زند، تحرک بیشتری پیدا می‌کند. هنرمندان این دوره در خلق آثار نگارگری به صورت تک ورقی، مصورسازی کتاب (به‌ویژه با شیوه‌ی جدید چاپ سنگی)، جلدسازی، و ... از خود خلاقیت چشمگیری نشان می‌دهند. اگر چه در آثار این دوره وحدتی که در طراحی‌های تبریز و اصفهان به‌طور عام دیده می‌شود، وجود ندارد ولی در کل شروعی برای یک مکتب ایرانی متحول نشده است که خود جای بحث دارد.

در صدسال اخیر، هنر نقاشی در دو شکل و شیوه‌ی متفاوت ظاهر می‌شود. نخست تأسیس مدرسه‌ی صنایع مستظرفه به رهبری کمال‌الملک در سال ۱۲۸۸ هجری شمسی به عنوان یک جنبش به شیوه‌ی نقاشی کلاسیک فرنگی است که در نهایت به دانشکده‌ی هنرهای زیبا ختم می‌شود. حرکت دوم نیز با تأسیس مدرسه‌ی صنایع قدیمه در سال ۱۳۰۹ هجری شمسی به همت استاد حسین طاهرزاده بهزاد آغاز می‌شود. این مدرسه که به قصد احیاء و بازسازی هنرهای ایرانی صورت می‌گیرد به کانونی معتبر برای آموزش و آفرینش هنرهای ایرانی شامل نگارگری، طراحی، تذهیب و ... تبدیل می‌شود. در این مدرسه شاگردانی که هر کدام دستی قوی در نگارگری اصیل ایرانی داشتند، پرورش می‌یابند.